

کانون وکلای

سال دهم

فروردین و اردیبهشت ماه ۱۳۳۸

شماره ۶۴

دکتر جهانبخش ارفع زنگنه

وکیل دادگستری

دریای ساحلی و فلات قاره (۱ و ۲)

« نظر باینکه مسئله فلات قاره بعلمت انعقاد قراردادهای اکتشافی مخصوصاً درباره نفت اخیراً از نظر حقوق بین‌المللی و اقتصاد اهمیت بسزا پیدا کرده است و از طرفی اخیراً شرکت ملی نفت قراردادهائی درباره اکتشاف در این منطقه منعقد کرده بنظر نگارنده تحلیلی در باره موضوع فوق مفید بنظر رسیده است . »

از نقطه نظر فیزیکی کلیه مناطق دریائی دارای خاصیت واحدی میباشند ولیکن از نظر حقوقی وضع هر یک از آنها متفاوت است. از دیرباز بلحاظ مطالعات حقوقی دریا سه منطقه دریای آزاد، دریای ساحلی و دریای داخلی تقسیم شده است (در اصطلاح حقوقی میشود اصطلاح آبهای داخلی و آبهای ساحلی را بجای دو اصطلاح آخر استعمال نمود). این طبقه بندی پایه اساسی و ضروری کلیه مطالعات حقوقی مخصوصاً حقوق بین‌المللی است. دریای آزاد پس از گذشتن حد دریای ساحلی هر کشور شروع و از نظر حقوقی تابع قواعد مخصوصی است و آبهای داخلی هر کشور شامل دریاچه‌های محصور و بندرگاهها

۱ - Plateau Continental - Continental Shelf

۲ - در تهیه این مقاله کتب و مآخذ زیر مورد استفاده قرار گرفته‌اند :

- ۱ - حقوق بین‌المللی عمومی - تألیف پروفیسور روسو استاد دانشگاه پاریس
- ۲ - رویه قضائی دادگاه دائمی بین‌المللی - تألیف پروفیسور روسو استاد دانشگاه پاریس
- ۳ - حقوق بین‌المللی - تألیف بیشاپ استاد دانشگاه نیویورک
- ۴ - جنبه قضائی روابط بین‌المللی - تألیف مادام باستید استاد دانشگاه پاریس
- ۵ - قانون فلات قاره مصوب - مجلس شورای ملی
- ۶ - انتشارات ملل متحد سال ۱۹۵۲

دریای ساحلی و فلات قاره

بوده و دریای ساحلی را برای مطالعه تحلیلی تئوری فلات قاره عمیقاً مطالعه نموده و بحث بیشتری را درباره دو منطقه دیگر بوقت دیگر موكول میکنیم :

تعریف آبهای ساحلی - دریای ساحلی منطقه واقع فیما بین دریای آزاد و خاك (قلمرو) هر کشور است. تئوریهای مختلفی که برای تعیین وضع و طبیعت حقوقی این منطقه در ادبیات حقوقی آمده است از دو منبع سرچشمه میگیرد :

الف - تشبیه این منطقه به قلمرو کشور .
ب - تشبیه این ناحیه به دریای آزاد .
الف - نظریه اول بدو نحو تعبیر شده است .

اول سیستم مالکیت. که طبق آن آبهای ساحلی قسمتی از قلمرو و تحت حاکمیت حقیقی دولت ساحلی میباشد . بدین طریق منابع ثروت این ناحیه متعلق به دولت مذکور است. و بالنتیجه هر دولت در افتتاح یا بستن آبهای ساحلی به کشتیهای خارجی یا انحصار ماهیگیری پاتباع خود کاملاً آزاد است. این نظریه طرفدار زیادی امروزه نداشته و رویه قضائی اداری فرانسه دریای آزاد را جزء اسوال عمومی دولتی بحساب نیآورده است .

دوم سیستم حاکمیت. طبق این نظریه دولت ساحلی مالک آبهای ساحلی نبوده بلکه فقط حاکمیت خود را در منطقه مزبور اعمال میکند آنهم بنحوی که با قواعد جاریه حقوق بین الملل تطابق داشته باشد از جنبه اجراء حاکمیت دریای ساحلی قسمت فرورفته قلمرو در آب دانسته شده است. مؤسسه حقوق بین المللی این تعریف را پذیرفته و اولین بار پرفسور ژیدل فرانسوی آنرا ابداع کرده است .

ب - رویه تشبیه وضع دریای آزاد. این رویه بر دو اصل مبتنی است :
نخست آنکه دریا معبری عمومی است و حاکم مطلق آن اجتماع بین المللی میباشد .

دوم آنکه دولت ساحلی حقی شیبیه به حق برتری و ارتفاق در آنجا دارا میباشد . این حق بدولت مذکور اجازه نظارت و حراست این ناحیه را از جنبه نظامی و گمرکی و بهداشتی میدهد و این نظارت بخودی خود تحدیدی به حق اجتماع بین المللی است . ولی تصور این حق صحیح نیست زیرا که فرض وجود حقی شیبیه به حق مورد بحث برای کشوری فقط در کشور دیگری میسر است و با رضایت کشور دومی در حالیکه تجسم آن در دریای ساحلی غلط است .

وضع فعلی بین المللی - تقریباً روش قبول شده عمومی سیستم حاکمیت است ولیکن البته در این باره اتفاق نظر کافی نیست و تعریفی در حقوق مثبت رسماً وجود ندارد .

تعریف کنفرانس قانون نویسی بین المللی ۱۹۳۰ که مورد قبول اکثریت قرار گرفته چنین است که قلمرو هر دولت شامل منطقه ای تعیین شده از دریا مطابق کنوانسیون حاضر است بنام دریای ساحلی . حاکمیت در این منطقه مطابق قواعد مورد توافق در این کنوانسیون و قوانین حقوق بین المللی اعمال میشود .

دریای ساحلی و فلات قاره

وسعت دریای ساحلی

مدتها مبنای حدود دریای ساحلی نظریه پروفیسور معروف هلندی «Bynkershoek» بوده است (سال ۱۷۰۲) که آنرا تیررس توپ در آن زمان شناخته (برابر با ۳ میل) وضع فعلی بین المللی - توسعه طلبی دول در این مورد قابل توجه است

- ۱ - بیشتر دول (بریتانیا و فرانسه و غیره) حد قدیمی ۳ میل را پذیرفته اند.
- ۲ - بقیه دول حد بیشتری را شناخته اند (دول اسکایدینا و ۴ میل . اسپانیا و پرتغال ۶ میل . مکزیک ۹ میل روسیه ۱۲ میل).
- ۳ - کمیته بیطرفی بین المللی دول آمریکائی طبق پیشنهاد ارواگوی ۲۵ میل را پیشنهاد کرده (۱۹۵۲) ولیکن ایالات متحده بدون جلب موافقت دول اروپائی آنرا عملی ندانست.

در داخل دریای ساحلی نیز امروزه تقسیم بندی معمول شده است :

الف - منطقه تحت حاکمیت مطلق یعنی دریای ساحلی بمعنی اخص
ب - منطقه وسیع تر که دولت ساحلی در آن صلاحیت محدودتری دارد و آنرا منطقه مجاور (بین دریای ساحلی و دریای آزاد) مینامند.

مثلاً دول آمریکای جنوبی یک ناحیه تا حد سه میل تحت حاکمیت مطلق و یک منطقه اجراء صلاحیت جزائی تا ۵ میل و منطقه ای برای امنیت و اجراء قوانین مالی و بهداشتی تا حد ۱۲ میل می شناسند.

فقدان مقررات عمومی - متأسفانه در عصر حاضر مقررات عمومی با ارزشی روی حد دریای ساحلی وجود ندارد و در این باره هر دولت بنحو دلخواه عمل میکند و کنفرانس متشکله بسال ۱۹۳۰ برای این منظور شکست خورده است

مسئله منطقه مجاور آبهای ساحلی

تعریف - منطقه مجاور شامل منطقه دریائی واقع پس از حد خارجی دریای ساحلی تا فاصله معینی در جهت مستقیم (بطرف وسط دریا) است. و این موضوع اصلی فرضی است که وسیله پروفیسور ژیدل تعریف و ابداع شده است و در کنفرانس قانون نویسی بین المللی ۱۹۳۰ با کثرت پذیرفته شده است .

منطقه مجاور از دو نظر با دریای ساحلی متفاوت میباشد :

۱ - دریای ساحلی جزء قلمرو ولی منطقه مجاور از نظر حقوقی جزئی از دریای

آزاد است.

۲ - نسبت بدریای ساحلی دولت صلاحیت و حاکمیت مطلق داشته در حالیکه در منطقه مجاور صلاحیت محدود و مخصوص بموارد حقوقی مخصوص به ناحیه مجاور میباشد.

حد این منطقه را هر دولت مستقلاً معمولاً معین میکند ولی حد مشترک و رایج امروزی ۱۲ میل برای هر دو منطقه دریای ساحلی مجاور میباشد. مبنای وجود این منطقه

اعلام یکطرفه اراده دولت ساحلی بشرط تطابق با حقوق بین‌المللی و یا انعقاد قراردادی در این باره با دول دیگری (برای جلب رضایت دیگران) است.

علائق قابل توجه :

۱ - نظارت گمرکی و مالی (اسپانیا و یونان ۶ میل - ۲۰ کیلومتر فرانسه . ۱۰ کیلومتر بلژیک سابقه قابل توجه تحول وضع منطقه مجاور اجراء قانون ممنوعیت مشروبات الکلی (۱۹۱۹ - ۱۹۳۳) در اتازونی است .

مسئله قابل بحث چگونگی ونحوه اجرای مقررات گمرکی و مالی اتازونی نسبت به کشتیهای خارجی قاچاقچی بوده و دوروش مورد استعمال قرار گرفته اند :
الف - توسعه یکجانبه حدآبهای ساحلی وسیله قانون (۱۹۵۶) که وسعت منطقه مجاور را تا ۱۲ میل میبرد ولی در مقابل اعتراض دولت انگلیس دولت آمریکا مجبور باتخاذ رویه دیگری گردید .

ب - ایجاد منطقه مجاور و قراردادی (وسیله قراردادهای لیگور Liguor treaties ۱۹۲۴) با دول دیگر است . طبق این قرارداد حق تعقیب و بازرسی و توقیف برای ایالات متحده آمریکا در خارج از حد معمولی آبهای ساحلی نسبت به سرعت کشتی مقصر یا مشکوک شناخته شد و جنبه شدید این رویه تئوری hot pursuits یعنی آغاز تعقیب در آبهای ساحلی ولی توقیف در خارج آبهای ساحلی حتی تا مسافت ۲۰۰ میل میباشد . این تئوری را رویه قضائی بین‌المللی مورد تأیید قرار داده است .

۲ - امور مربوط بامنیت

مصالح امنیتی دولت ساحلی ایجاد و فرض منطقه مجاور را بشرطی که مقررات ایجاد شده تبعیضی را نسبت بدول یا دولت معینی دربر نداشته باشد موجه میدارد این امور مربوط به امور بهداشتی کشتیرانی و نظامی هستند .

۳ - حفاظت ثروت و معادن «تئوری فلات قاره»

اصطلاح فلات قاره اخیراً وارد حقوق بین‌المللی شده و عبارت از پی و مبنائی نظری است که قاره و قلمرو کشوری بر روی آن استوار گردیده و بعبارت دقیق‌تر حاشیه و لبه فرو رفته در آب از ساحل است که دارای انحنای خمیدگی بسیار و ملایمی قبل از تبدیل شدن بسرازیری کامل بطرف بستر دریای آزاد میباشد .

با اینکه مؤلفین متعددی حد متوسط عمق آنرا تا ۲۰۰ متر تعیین کرده اند ولی معیار مورد قبولی در این باره وجود ندارد و مرجح است که تعیین حد فلات قاره را از لبه و کناره حقیقی پی قلمرو ساحلی یعنی اولین بریدگی و حد فاصل بین آب و خشکی مشرف بدریا (صرفنظر از عمق) احتساب نمایند . در تعیین وضع حقوقی فلات قاره بدونکنه مهم بایستی توجه نمود :

۱ - حمایت نسل و نژاد حیوانات

مهمترین مثال در این مورد اعلامیه ۱۹۴۵ رئیس جمهوری اتازونی درباره مقررات ملی ماهیگیری مناطق مجاور آبهای ساحلی است این مقررات مناطق ذخیره و نیز

دریای ساحلی و فلات قاره

کنترل اجراء را پیش‌بینی میکند. مقررات شبیه این مورد از طرف فرانسه درباره استخراج اسفنج و از طرف انگلیس درباره صدف در کانال سنت ژوژر پیش‌بینی شده است.

۲ - حفاظت منابع معدنی

مانند ذغال (کامبرلند) آهن و قلع (سواترا) و مخصوصاً نفت (لویزیانا .

تکزاس . مکزیک و نروژ . تونس) .

حد و وسعت فلات قاره ایجاد این منطقه مجاور مبنی بر یکی از دو مبنای زیرین

خواهد بود :

الف - بین‌المللی

در این باره یک مثال قابل توجه وجود دارد و آن قرارداد انگلیس و نروژ (

۱۹۴۱) در مورد استخراج معادن نفتی خلیج پاریا میباشد.

ب - داخلی

بیشتر دول تدوین مقررات یکجانبه را ترجیح میدهند قبل از همه اتازونی با اعلامیه رئیس‌جمهور وقت در ۱۹۴۰ نسبت با استخراج منابع فلات قاره اقدام نموده است. در این اعلامیه صلاحیت اتازونی نسبت به منابع طبیعی وزیرزمینی بستر دریای مناطق مجاور تا حد سه میل معمولی دریای ساحلی تأکید شده است با تفسیر این اعلامیه رویه قضائی آمریکا حق رجحان در مورد دولت فدرال مرکزی نسبت به حق ایالات وابسته درباره آبهای ساحلی آنها و یکدیگر (تکزاس و لویزیانا رأی دادگاه عالی ژوئن ۱۹۵۰) قائل شده است.

ابتکار اتازونی دول دیگر را وادار باتخاذ تدابیر مشابه نموده است (مکزیک ۱۹۴۰ - آرژانتین ۱۹۴۶ - شیلی ۱۹۴۷ - انگلیس ۱۹۴۸ - عربی سعودی ۱۹۴۹ - کویت و شیخ‌نشین‌های خلیج فارس ۱۹۴۹ - پاکستان ۱۹۵۰) .

در موضوع یاد شده بین اعلامیه اتازونی و نظریات دول آمریکای جنوبی اختلاف وجود دارد زیرا که کنترل دول آمریکای جنوبی گاهی تا ۲۰۰ میل دریائی یعنی قسمتی از دریای آزاد که طبق تئوری غلات قاره بخود تخصیص میدهند توسعه می‌یابد قابل یادآوری است که کمیسیون حقوق بین‌المللی سازمان ملل متحد کنترل و صلاحیت دولت ساحلی را نسبت به بستر دریا و زیرزمین واقعه در خارج آبهای ساحلی برای استخراج و اکتشاف ثروتهای طبیعی و منابع معدنی قبول نموده است بشرطی که محسوساً به آزادی کشتیرانی و ماهیگیری دول دیگر لطمه وارد نیآورد .

پروژه کمیسیون فلات قاره را « بستر دریا و زیرزمین نواحی زیردریائی مجاور سواحل ولی واقعه در خارج حد آبهای ساحلی » تعریف نموده « بشرطیکه عمق آبهای مجاور امکان استخراج و اکتشاف منابع طبیعی بستر دریا و زیر دریا را بدهد » رویه قضائی بین‌المللی هنوز درباره تئوری فلات قاره مجزا اظهار عقیده نموده است .
لرد اسکویت حکم انگلیسی در حکم حکمیتی بین شیخ ابوهایی و کمپانی انگلیسی پترولیوم دولوپمنت (۱۹۵۱) درباره درخواست تعمیم ساحل Pirates در خلیج فارس

دریای ساحلی و فلات قاره

به حوزه فعالیت کمپانی مزبور (بعلت اعلامیه سال ۱۹۴۹ شیخ درمورد فلات قاره سواحل شیخ نشین) اظهار نظر کرده است که چون تئوری فلات قاره کاملاً در حقوق بین‌المللی وارد و مورد قبول قرار نگرفته نمیتواند مورد استناد شرکت صاحب امتیاز مزبور قرار گیرد.

رژیم حقوقی دریای ساحلی «وضع حقوقی منطقه مزبور بسیار مهم است در این منطقه دولت ساحلی حاکمیت مطلق خود را بشرط رعایت تعهد اجازه عبور کشتیهای خارجی اعمال میکند (تئوری عبور بیگناه «Obligation du passage innocent»).

الف - اجراء حاکمیت : حاکمیت در چند مورد مؤثراً اجراء میگردد :

۱ - ماهیگیری.

دولت ساحلی یکجانبه مقررات ماهیگیری را در آبهای ساحلی خود وضع نموده و میتواند ماهیگیری را بانحصار اتباع خود در آورد. ضمانت اجراء جزائی امکاناً در باره کشتیهای متخلف میتوان پیش بینی نمود.

رویه قضائی بین‌المللی اجراء حاکمیت مطلق را با رعایت مسئولیت بین‌المللی دولت شناخته است (حکم محکمه بین‌المللی دائمی حکمیت ۱۹۱۰).

۲ - امور پلیسی - دولت ساحلی صالح برای وضع مقررات مربوط بتأمین امنیت کشتیرانی مخصوصاً موارد تصادف کشتیها است.

۳ - امور گمرکی و بهداشتی.

چنانچه مذکور افتاد صلاحیت دولت ساحلی در این مورد تقریباً وسیع تر است و ایجاد نظارتی دقیق در مورد بازرسی وضبط اموال و اشیاء ممنوعه و مجازات جزائی و نقدی در این مورد بسیار قابل توجه هستند.

ب - تعهد دولت ساحلی با اجازه کشتیهای خارجی - در مقابل حقوق شناخته شده دولت ساحلی ملزم بر رعایت تعهداتی نیز میباشد که اهم آنها اجازه عبور کشتیهای خارجی است. این حق شامل عبور یعنی کشتیرانی در آبهای ساحلی و اقامت یعنی توقف اختیاری میباشد عبور ممکن است بحالت ترانزیت و یا ورود و خروج باشد و حقوق مثبت امروزی (اعلامیه بارکن ۱۹۲۱) آنرا شناخته است.

رویه قضائی بین‌المللی اذعان دارد که حق عبور کشتیهای خارجی مانع آن نیست که دولت ساحلی کشتی تجارتي را که در عبور قبلی مرتکب جرمی شده است در عبور بعدی تحت تعقیب جزائی در آورد (کمیسیون دعاوی بین‌اتازونی و پاناما تصمیم سال ۱۹۳۳ در امر کمپانی کشتیرانی ملی).

قانون فلات قاره ایران

قانون فلات قاره ایران در بیست و هشت خرداد ۱۳۳۴ بتصویب مجلس شورایی ملی رسیده و بطوریکه از مفاد آن استنباط میشود مبنای تعریفی آن از تعریف کمیسیون حقوق بین‌المللی ملل متحد اقتباس شده است مطابق این قانون فلات قاره تعریف نشده است و معنی

دریای ساحلی و فلات قاره

آنها مفهوم کلمه انگلیسی « Continental Shelf » و کلمه فرانسوی Continental Plateau دانسته‌اند.

قانون مزبور مناطق و همچنین منابع طبیعی کف دریا و زیرکف دریا تا حدود فلات قاره و سواحل ایران و سواحل جزایر ایران در خلیج فارس و بحر عمان را متعلق بدولت ایران و تحت حاکمیت آن میداند.

طبق ماده سوم در صورتیکه فلات قاره تا سواحل کشور دیگری بسط داشته یا با کشور همجوار مشترک باشد در صورت بروز اختلاف نسبت بحدود فلات قاره ایران اختلاف مزبور بر اساس انصاف حل خواهد شد و دولت برای حل این قبیل اختلافات احتمالی از طریق سیاسی اقدام خواهد نمود.

این فرمول رویه‌ای وسیع و درعین حال مشکل‌است زیرا که تعریف و یا عواملی که انصاف را تشکیل میدهند در حقوق بین‌المللی امروز نه تنها تعریف نشده بلکه از نظر عوامل مشکله مورد اختلاف میباشند و از طرفی درغیبت فرمول مورد قبول حقوقی واضح است که در جریانات سیاسی وضع زمان و مکان و نیروی سیاسی از عوامل مهم هستند.

مقررات قانون فلات قاره ایران در مورد حدود آبهای ساحلی و منطقه همجوار نظارت دولت (قانون ۱۳۱۳) بی تأثیر میباشند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی